[صد و سی و شش]

> در اصل توسط **hosyn** نوشته شده است
> [illegible]

مثال خوبی فرمودید

وقتی به ما بگویند مثل دیوان حافظ بیاور؛ یعنی شعر بیاور؛ و برای عرفانی بودنش باید قرینه بگذارند. منتها وقتی قرینه آوردند زمانی تحدی تام می شود که مخاطب قبول داشته باشد اشعار حافظ عرفانی است. یعنی اگر مخاطب از ابتدا عرفانی بودن حافظ را منکر باشد، اگر قرینه آوردند که منظورمان شعر عرفانی است عملا تحدی بی خاصیت می شود؛زیرا مخاطب هنوز ارزشمندی شعر حافظ از نظر عرفانی را قبول ندارد که انگیزه ای برای اقدام به آوردن مثل پیدا کند

الان هم در مانحن فیه، هویت شخصیتی پسین قرآن را اگر معیار قرار دهیم وقتی به عرب گفتند اگر راست می گویی مثل این را بیاور آنچه می فهمید همین جنبه فصاحت و بلاغت بود. آنچه مثلا من امروز می فهمم مثلا جنبه ریاضی وار بودن نظم قرآنی است.

و یک نفر دیگر هم مثلا اخبار به غیب از این هویت شخصیتی پسین برداشت می کند. این همان بود که بنده عرض کردم مدار اعجاز را شخصی (یا حداکثر اجتماعی تاریخی)کنیم.

حال با این دو سه محوری که من افزودم کاری ندارید. خود شما در بحث بالا فرمودید که اگرچه مخاطب عموما مثلیت از حیث فصاحت و بلاغت فهمید و سپس ادامه دادید که خود قرآن قرینه آورده که مدار مثلیت که شما از آن ناتوانید همان تودیی تکوینی است که محصول احاطه علمی خداست.

خوب، اگر این قرینه را جدی بگیریم آنگاه اشکال بنده جدی می شود.

وقتی هنوز مخاطب قبول ندارد که این متن تودیی کل تکوینی است این تحدی برایش چه وجهی دارد؟

در واقع اشکالم را در یک دوشقی مطرح میکنم:

۱) اگر خود مخاطب باید برای این هویت شخصیتی پسین که مقابلش می بیند وجه مثلیتی بیابد و اقدام به آوردن مثل کند آنچه آن زمان از این هویت می فهمیدند زیبایی بلاغی اش بود (که عرض کردم ممکن است امروز بعد دیگری را از این هویت شخصیتی پسین بفهمند) و خلاصه هرچه بفهمند این را که این تودیی کل تکوینی است نمیتوانند بفهمند. [این «نمی توانند» را به معنای «محال است» نگفتم؛ زیرا اثبات محال بودن این خودش دلیل می خواهد. اما قبلا توضیح دادم که عرفا راهی ندارم که بفهمم چیزی که تودیی تکوینی باشد چگونه خواهد بود مگر اینکه توضیحی دهید که انسان می تواند بفهمد چیزی تودیی کل تکوینی است یا نه؛ که آنگاه پاسخم من داده می شود] پس در این حالت بحث از اینکه رمز تحدی تودیی تکوینی است صرفا بحثی درون

دینی خواهد بود و در مقام مواجهه با خصم (یعنی در مقام اثبات تحدی نه مقام ثبوتش)ثمره ای نخواهد داشت.

۲) اگر با قرینه ای از کلام گوینده، مخاطب بفهمد که وجه مثلیت - که باید برایش اقدام کند - تدوین کل تکوین است اگرچه وی اذعان می کند که نمی تواند بیاورد اما اصل این را قبول ندارد که این قرآن تدوین تکوین باشد که بخواهد با آن هماوردی کند. مانند اینکه من یک جمله بنویسم و به شما بگویم تمام حقایق عالم را در آن گنجانده ام و اگر می توانی مثل آن را بیاور. شما اول به من می گویی اول اثبات کن همه حقایق عالم در این است. وقتی خود این وصف را برای این جمله قبول ندارم دیگر چه تحدی ای[1]؟

---

[1] پست کاربر Hosein-

بازبینی #1
ایجاد شده 16 آوریل 2025 13:52:53 توسط ... .
به روزرسانی شده 16 آوریل 2025 13:53:25 توسط ... .